

ایسکرا

۸۰۴

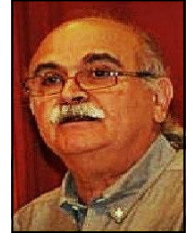
دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: ۰۰۴۹۱۶۲۵۱۱۲۰۲۵
E-mail: moasangaran@googlemail.com

سردبیر عبدالگیریان

۱۳ آبان ۱۳۹۴، ۴ نوامبر ۲۰۱۵

Tel: ۰۰۴۹۱۶۲۵۰۷۷۶۵۴ تاشن تماس با ما

"فتنه چهارم" در راه است!



حمید تقوایی

اعتراضات توده ای است. فتنه در زبان تبلیغات آخوندی اسم رمز خیزش توده ای و شورش و انقلاب است. در همین سخنان فرمانده سپاه از جنگ ایران و عراق، شورش ۱۸ تیر ۷۸، و خیزش توده ای سال ۸۸ بعنوان سه فتنه بزرگ نام برده میشود. آنچه همه این تحولات را از نظر مقامات حکومت به فتنه بدل میکند موج نارضائی و اعتراضات توده ای علیه نظام حکومتی است. حتی جنگ با عراق برای ضد انقلاب تازه به قدرت رسیده مفر و محمل و بقول خمینی "برکت"ی در خدمت سرکوب و ممانعت از تداوم و تعمیق انقلاب ۵۷ بود. فرمانده سپاه میگوید "ما در هر دهه از انقلاب یک فتنه بزرگ داشتیم" و تحولات پس از برجام را فتنه دهه چهارم میدانند که "طولانی خواهد بود و طولانی خواهد بود".

"اگر این باور در فکر مردم ایجاد شود که در مساله هسته ای توافق شد پس در مسایل دیگر هم می شود توافق کرد، این یک خطر و فتنه است... فتنه بعد از برجام طولانی خواهد بود".

فرمانده سپاه این گفته فرمانده سپاه پاسداران بیانگر عمق نگرانی و دلواپسی جمهوری اسلامی از اوجگیری

صفحه ۲

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرین رمضانلی

خواهند داد. اکیپ پزشکان طی اواخر هفته آینده با ۲۰ پزشک متخصص و برای دو روز وارد شهر سردشت خواهند شد. کمیسیون پزشکی درخواست بالغ بر ۱۴۵۰ نفر جهت تشکیل پرونده را دریافت کرده

صفحه ۴

بعد از نزدیک به سی سال از بمباران شیمیایی سردشت بیش از ده هزار نفر از مردم سردشت که در حملات شیمیایی هفتم تیرماه ۶۶ در سردشت مصدوم شدند بزودی در کمیسیون پزشکی اعزامی از تهران تشکیل پرونده

حمله به اردوگاه سازمان مجاهدین در عراق را شدیداً محکوم می کنیم

صفحه ۳

پناهندگان در هیچ جایی در دنیا امنیت جانی ندارند

صفحه ۶

آسو عبدی نژاد

دولت روحانی مسؤل جان دانش آموزان و ایمنی مدارس است!



نسان نودینیان

گرو تامین ۷۰۰ میلیارد تومان است که سالانه این مبلغ و ده و صفحه ۳

خطر آتش سوزی، قرار دارند. در نظام جمهوری اسلامی دزدی و فساد حرف اول را میزنند. نهادهای وابسته به نظام جمهوری اسلامی اعلام کرده اند. "در صورت تأمین ۷۰۰ میلیارد تومان اعتبار همه کلاس ها به سامانه های گرمایشی استاندارد مجهز می شوند". ۷۰۰ میلیارد تومان بخش بسیار کوچکی از دارائیهای بیلیونی بیت رهبری و خامنه ای است. جان زنده دانش آموزان در

۱۳۶ هزار کلاس درس در معرض خطر آتش سوزی نا امنی مدارس در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی جان دها نفر از کودکان را گرفته است. عدم استنادردی ساختمانهای مدارس، متروکه بودن ساختمان مدارس و عدم سیستم گرمایشی جان هزاران دانش آموز در مدارس را روزانه در معرض خطر جدی قرار داده است. به گزارش سلامت نیوز ۱۳۶ هزار کلاس درس در معرض

پیروزی اردوغان توهم تغییر از طریق پارلمان را زیر سوال برد



محمد آسگران

از مردم نگران امنیت اخاذی کرده است. حزب عدالت و توسعه در

صفحه ۲

کسب شده از جانب حزب عدالت و توسعه نماینده خواست درونی مردم نیست. زیرا اضافه شدن چهار میلیون رای به حزب اردوغان نسبت به انتخابات قبلی اساساً به دلیل نگرانی مردم از جنگ و ناآرامی بود. مردم عادی میخواهند زندگی را در فضای امن بسر ببرند. اردوغان نشان داد اگر به تنهایی قدرت دولتی را نداشته باشد امکان و توان اینرا دارد که جامعه ترکیه را به آتش بکشد. این چهار میلیون رای در واقع باجی است که اردوغان

ناظران و جریانات سیاسی ای که در این توهم بسر میبردند که بشود از طریق انتخابات پارلمانی تحولی در سیستم حاکم ترکیه ایجاد گردد، اکنون بعد از نتایج انتخابات در ترکیه و پیروزی حزب اسلامی عدالت و توسعه باید متوجه توهمات خود شده باشند. چرا که تاثیر گذاری بر نتایج آرا با استفاده از قدرت نظامی و قدرت مالی و تبلیغاتی عملاً اردوغان و حزیش را به موقعیتی رانده است که هیچ کس نمیتواند انکار کند رای

مسؤلین کشتار لبرتی چه کسانی هستند؟



کازم نیکخواه

شده است. بدنبال این جنایت رسانه های جمهوری اسلامی با خوشحالی این خبر را بازتاب دادند و به جانبختگان توهین کردند. یک گروه بنام جیش مختار که خود را شیعه میخواند مسؤلیت این جنایت را به عهده گرفته است. این چندمین بار است که به کمپهای

صفحه ۳

بنا به گزارشها روز ۲۹ اکتبر برابر ۷ آبان کمپ لبرتی در عراق که محل نگهداری اعضا و وابستگان سازمان مجاهدین در عراق است، مورد حمله مسلحانه با کاتیوشا قرار گرفته و حدود ۳۰ نفر از ساکنین این کمپ به قتل رسیدند و شماری نیز زخمی شده اند که حال برخی از آنها وخیم گزارش

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ پیروزی اردوغان توهم ...

انتخابات اول نوامبر ۲۰۱۵ حدود چهار میلیون رای بیشتر از انتخابات قبلی را از آن خود کرده است. اکنون تعداد کرسی هایش در پارلمان برای تشکیل حکومت تک حزبی کافی است. این برعکس نتایج انتخابات قبلی است که برای تشکیل دولت ناچار بود با احزاب دیگر ائتلاف کند در این انتخابات رای حزب ملی گرای کرد (ها.د.پ.) و حزب راست افراطی ترک ام.ها.پ کم شد و به رای حزب اسلامی آک پارتی اضافه شد. این تحول مستقیماً به سیاست جنگ طلبانه اردوغان و حزیش مربوط است که بعد از نتایج انتخابات قبلی در پیش گرفت. اردوغان با آغاز جنگ با پ.ک.ک و قطع پروسه "مذاکره" با اوجلان در زندان امرالی فضای جامعه را نظامی کرد. سیاستهای جنگی پ.ک.ک هم در این مدت به کمک اردوغان آمد.

آک پارتی همزمان که جنگ با پ.ک.ک را پیش میبرد در شهرهای ترکیه به چپها، معترضین و مخالفین خود حمله کرد و صدها نفر را بازداشت نمود. علاوه بر این در جریان جنگ در شهر و خارج از شهر علیه پ.ک.ک و وابستگان این حزب در شهرها، صدها نفر کشته و زخمی شدند. در دو انفجار سورچ و آنکارا که به داعش نسبت داده شد، همه میدانند که این انفجارها و کشته و زخمی شدن صدها نفر در سایه سیاستهای آک پارتی اتفاق افتاد و آنها مسئول مستقیم و غیر مستقیم این کشتار بودند.

رسانه های مستقل تحت فشار قرار گرفتند و سیستم قضائی هم کاملاً پشت اردوغان ایستاد. همه این تحولات فضایی در جامعه ایجاد که مردم نگران آینده خود شدند و ناچار در این انتخابات به حزب اردوغان باج دادند که شاید بتوانند در امنیت زندگی کنند. بویژه سرنوشت میلیونها نفر مردم آواره سوری را با چشم خود دیده و ویرانی کشور سوریه و عراق را در نزدیک خود مشاهده میکنند. آک پارتی رسماً اعلام کرد اگر یک حزب قدرتمند در دولت نباشد جامعه اینچنین دچار جنگ و ناامنی و از هم گسیختگی میشود. در مقابل این سیاست و پلان آگاهانه اردوغان، پ.ک.ک هم با سیاست

هم خواستند از سالن مزدوری اردوغان به سالن حاکم احتمالی آینده یعنی پ.ک.ک و ها.د.پ نقل مکان کنند.

بعد از تحولات چند ماه اخیر در فاصله دو انتخابات متوجه شدند که حسابگرهایشان غلط از آب در آمده و دوباره به سالن مزدوران اردوغان برگشتند.

یکی از تحلیلگران مستقل ترکیه اوضاع سیاسی فاصله دو انتخابات را چنین تشریح میکند: "حزب عدالت و توسعه از این دوره پنج ماهه تا انتخابات زود هنگام برای سرکوب سازمان های غیر دولتی و تجاری مخالف، به کنترل در آوردن رسانه های منتقد و ارباب روزنامه نگاران و چهره های مخالف استفاده کرد و به نظر می رسد این استراتژی دستاوردهای قابل توجهی برای اردوغان به ارمغان آورده است. وی به احتمال زیاد سعی خواهد کرد با بقیه رسانه های منتقد، سازمان های غیر دولتی و تجاری تصفیه حساب کند و در نتیجه دموکراسی، حقوق و آزادی و حاکمیت قانون در ترکیه را تضعیف کند."

با این حال اکنون دوره دیگری از حیات سیاسی و تقابل نیروهای سیاسی با همدیگر و تقابل مردم با دولت حاکم آغاز میشود.

مردم آزادیخواه و چپ آن جامعه باید با اتکا به تجربه این دو انتخابات اکنون بیش از پیش به قدرت خود در خیابان برای تغییر تعادل قوا به نفع آزادی و رفاه و رسیدن به مطالباتشان متکی بشوند. نباید منتظر تغییر آرایش احزاب پارلمانی شد. همه احزاب پارلمانی از جمله حزب ها.د.پ. مشکلی با سیستم اقتصادی حاکم و رونمای سیاسی این سیستم ندارند. مشکلات و اختلافات آنها با همدیگر و تقابلشان با حزب آک پارتی بر سر سهم خواهی است. گسترش جنبشهای شهری و تحکیم تشکلهای مدنی و تقویت تشکلهای کارگری و در نهایت عروج یک جریان چپ و کمونیستی تنها ضامن و اهرم رسیدن مردم به آزادی و رفاه است.

۳ نوامبر ۲۰۱۵

از صفحه ۱ "فتنه چهارم" ...

ممکن است سالها طول بکشد. اما این فتنه چهارم بر خلاف های و هوی ضد آمریکائی خیسینی و سرداران و مقامات حکومتی اش به نفوذ دشمن و توطئه های آمریکا و غیره ربطی ندارد. همه میدانند که مذاکره و نزدیکی با آمریکا خطر حمله نظامی و سناریوهای نوع رژیم چنجی و دست بدست شدن قدرت از بالا را تقریباً منتفی میکند. مساله بر سر نفی هویت و بقول خامنه ای "سیرت" ضد آمریکائی حکومت و در نتیجه تضعیف اش در برابر موج اعتراضات توده ای است. حتی گفتمان نزدیکی با غرب تسمه های اسلامی و ایدئولوژیک کنترل جامعه را سست میکند و موج بیچالش کشیدن اسلام و قوانین و فرهنگ و مقدسات اسلامی را که فی الحال در جامعه در جریان است بمراتب تشدید و تقویت میکند.

فرمانده سپاه میگوید "اگر این باور در فکر مردم ایجاد شود که در مساله هسته ای توافق شد پس در مسایل دیگر هم می شود توافق کرد، این يك خطر و فتنه است". این صرفاً بیان دیگری از این واقعیت است که مساله بر سر نفس توافق با غرب نیست بلکه مشکل حکومت انتظار و توقع مردم از توافق است. این ریشه و اساس آن "خطری" است که پس از توافق هسته ای محور اصلی سخنرانی ها و موضعگیریها و هشدارهای خامنه ای و اصولگرایان بوده است.

۳ نوامبر ۱۵

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماماً خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخوایند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی نظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سزایان باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

از صفحه ۱ **مسئولین کشتار لیبرتی ...**

نگهداری اعضای مجاهدین در عراق حمله مسلحانه میشود و شماری به قتل میرسند. اولین نکته ای که باید توجه کرد اینست که علیرغم هر اختلاف و موضوعی که ما نسبت به سازمان مجاهدین داشته باشیم این موضوع به همه ما و به هر انسانی مستقیماً مربوط است. من شخصا نقدها و اختلافات زیادی با سازمان مجاهدین دارم و جداگانه نوشته ام و خواهم نوشت. اما اینجا بحث بر سر سیاست مجاهدین که عملاً اعضایش را به چنین سرانجام فاجعه باری رسانده و تلاشی برای خروج آنها از عراق نمیکند نیست. مساله اینست که این جماعت هرکه هستند و به هر سازمانی که ربط داشته اند، اکنون رسماً بعنوان اسیر جنگی در عراق نگه داری میشوند و در چنگ ارتش آمریکا بوده اند و آمریکا آنها را به دولت عراق تحویل داده است. این دو دولت موظفند که از جان این افراد نگه داری کنند. این افراد به دلیل اینکه مجاهدین در لیست تروریسم قرار دارد امکان و اجازه خروج از عراق و پناهندگی در کشور ثالث را ندارند. عملاً

دولت عراق این افراد را که شمارشان بنا به برخی گزارشها به حدود ۲۵۰۰ نفر میرسد در شرایطی قرار داده که هر از چند گاه یک گروه تروریستی براجتی به آنها حمله میکند و دهها تن از آنها را وحشیانه کشتار میکند. دولت آمریکا که این افراد را بعنوان اسیر در چنگ خود داشت و دولت عراق که توسط آمریکا سرکار کشیده شد مسئولیت مستقیم حفاظت از جان ساکنین لیبرتی را دارند و جنایت روز ۲۹ اکتبر را مثل جنایات قبلی باید به پای احمال کاری آنها نوشت. اگر در خیابان یک قاتل به کسی حمله کند و پلیس شاهد باشد و کاری نکند چه کسی مقصود است؟

و این قاتلین و تروریستها که این بار بنام جیش المختار وارد شده اند اساساً نیروهای جمهوری اسلامی هستند که یک بار بنام سربازان عراقی و یک بار بنام جیش المختار و امثالهم به این افراد حمله میکنند. این کشتارها جنایت آشکار و زیر پا گذاشتن ساده ترین نرمها و معیارهای بین المللی توسط دولت عراق و دولت آمریکا را نشان میدهد. روشن

است که دولت عراق در واقع دولت نیست و از مجموعه ای از باندهای رقیب تشکیل میشود و هرکدام به قدرت و دولتی وابسته هستند و کار خود را میکنند. اما این یک ذره از مسئولیت آنها در قبال جان زندانیان و اسرا کم نمیکند. ولی ارتش آمریکا اگر میخواست میتواند مانع این فاجعه و فجایع مشابه توسط آدمکشان اسلامی شود. هیچ درجه از اختلاف با مجاهدین نباید باعث شود که این جنایت را نبیینیم. در واقع این رژیم کثیف جمهوری اسلامی است که دارد با چراغ سبز دولت آمریکا و دولت عراق از مخالفینش در یک کشور دیگر انتقام میگیرد. همان کاری که با ترور مخالفینش در کشورهای دیگر انجام میدهد را اینجا با یک گروه مسلح و مجهز به انواع سلاحها با دست و دل بازی انجام میدهد. باید به این دولتها فشار آورد که هرچه سریعتر افراد کمپ لیبرتی را به کشوری امن منتقل کنند. این جنایت زیر پا گذاشتن ابتدایی ترین معیارها و پیمانهای بین المللی در مورد رفتار با اسرا و زندانیان و پناهندگان است.*

۳۰ اکتبر ۲۰۱۵

حمله به اردوگاه سازمان مجاهدین در عراق را شدیداً محکوم می کنیم

اسلامی قرار دارد. حزب کمونیست کارگری این حمله را قویاً محکوم میکند و به خانواده های قربانیان این جنایت صمیمانه تسلیت میگوید.

همچنان که بارها اعلام کرده ایم تنها راه نجات افراد مستقر در کمپ مجاهدین در عراق انتقال آنها به یک کشور امن ثالث است. این امری است که مستقل از هر سیاستی که رهبری مجاهد در این مورد داشته باشد باید با اعمال فشار به دولتهای غربی و نهادهای بین المللی کمک به پناهندگان دنبال کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ آبان ۱۳۹۴
۳۰ اکتبر ۲۰۱۵



بنا به آخرین اخبار منتشر شده در پی حمله موشکی جنایتکارانه به اردوگاه لیبرتی، محل استقرار اعضای مجاهدین خلق در عراق تا کنون تعداد ۲۷ نفر کشته و تعداد زیادی زخمی شده اند که حال شماری از آنها وخیم گزارش شده است.

یک گروه اسلامی شیعه موسوم به ارتش مختار (جیش المختار) مسئولیت این حمله خونبار را بر عهده گرفته است ولی نباید شکی داشت که در پشت این حمله، رژیم آدمکش جمهوری

از صفحه ۱ **دولت روحانی مسؤل ...**

صد برابری آنها توسط حاکمان فاسد و دزد در جمهوری اسلامی صرف زندگی شخصی، هزینه سپاه پاسداران، سپاه قدس و در اختیار جنایتکارانی قرار میگیرد که ترور و تروریسم را با تقویت مالی ده ها جریان تروریستی از اسلام سیاسی را برای انداختن آنها بجان مردم در منطقه خاورمیانه بکار گرفته اند. در شهر و روستاهای کردستان صدها ساختمان مدارس متروکه و فاقد ایمنی گرمایشی وجود دارند. جان و ایمنی کودکان در مدارس متروکه و فاقد سیستم گرمایشی در خطر جدی قرار دارند. ما مردم شهر و روستاهای کردستان را به تشکیل انجمن های حمایتی از مدارس ایمن برای دستیابی به، استاندارد بالا و مجهز به سیستم گرمایشی فرمیخوانیم.

چاره و راه حل سد کردن دزدی و فساد در گرو طرح مطالباتی است که با اعتراض جمعی و برای تامین امنیت جانی مردم تحقق پیدا کند. انجمن های حمایتی از ایمنی مدارس، با شرکت خانواده های دانش آموزان، معلمان مبارز و دوستداران زندگی و تحصیل امن برای کودکان، نیروی انسانی قدرتمندی برای حمایت از محیط امن برای کودکان هستند. تحصیل رایگان و مجهز شدن مدارس به سیستم گرمایشی خواست های اصلی اعتراض و گفتمان انجمن های حمایتی از ایمنی مدارس، است.

انجمن های طرفدار محیط زیست دارای تجارب ارزنده و مثبتی برای سازماندهی توده ای مردم در شهر و روستاهای کردستان هستند. انتقال این تجارب و همیاری و کمک به ایجاد "انجمن های حمایتی از مدارس ایمن" وظیفه انسانی و اعتراضی این طیف از مبارزین انقلابی است که هم اکنون فعال هستند!

جلوگیری از ده ها حادثه ناگوار

از قبیل رویداد آتش گرفتن مدرسه "شین آباد" در سال ۹۱ که باعث مصدوم شدن ۲۸ دانش آموز و مرگ ۲ دانش آموز شد، وظیفه انسانی مردم شریف و آزادیخواه در شهر و روستاهای کردستان، است.

گزارش سلامت نیوز در ششم آبان ماه؛ سلامت نیوز: "اگر در تهران این گزارش را می خوانید، دمای هوا نزدیک به ۲۲ درجه است که البته چندان هم سرد نیست. اما تقریباً ۶۰ کیلومتر دورتر از شما در "شین آباد" دمای هوا ۱۷ درجه و البته در جایی مثل "تکاب" هم ۱۴ درجه است. حالا تصویری از نامه وزارت نیرو هم منتشر شده که نشان می دهد، زمستان بسیار سرد و پر بارشی در پیش است؛ چیزی شبیه به زمستان سرد سال ۸۶. هوا به زودی در بسیاری از نقاط کشور سردتر خواهد شد. عمده این مناطق البته در نقاط محروم و روستایی هستند. جایی که در آنها همچنان کلاس های درس با استفاده از بخاری های غیرایمن گرم می شوند که هر لحظه احتمال تکرار "شین آباد" دیگری وجود دارد. ۱۳۶ هزار کلاس همچنان فاقد سامانه گرمایشی استاندارد هستند که به گفته رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور تا پایان امسال ۴۰ هزار کلاس درس دیگر به سامانه گرمایشی استاندارد حرارت مرکزی شامل پکیج و رادیاتور مجهز می شوند؛ پایان امسال یعنی وقتی بهار آمده و بخاری های جدید نوسازی برای سال های آینده خواهند بود. هنوز ۱۰ هزار بخاری غیراستاندارد در مدارس، جان دانش آموزان را تهدید می کند. در صورت تأمین ۷۰۰ میلیارد تومان اعتبار همه کلاس ها به سامانه های گرمایشی استاندارد مجهز می شوند."

۹ آبان ۹۴

۳۱ اکتبر ۲۰۱۵



از صفحه ۱ نگاه هفته مجموعه اخبار ...



داروهایی نظیر داروهای اعصاب استفاده می‌کنند. طبق آمار نهادهای حکومتی، بیش از ۲۰۵ میلیون مصرف کننده مواد مخدر در ایران وجود دارند که الگوی مصرف آنها به سمت مواد صنعتی و روانگردان می‌باشد.

واکنش عفو بین الملل به حکم اعدام میلاد عظیمی

جان میلاد عظیمی به دلیل صدور حکم اعدام از سوی دادگستری استان کرمانشاه در خطر جدی قرار دارد. عفو بین الملل به این حکم واکنش نشان داده و در بیانیه‌ای اعلام کرد: میلاد عظیمی در محاکمه‌ای "قویا غیرمنصفانه" و "بر پایه اعترافات زیر شکنجه" به اعدام محکوم گشته است. گزارش این نهاد مدافع حقوق بشر اضافه کرده که این جوان در سن هفده سالگی به اتهام قتل بازداشت شده و درخواست وی جهت دادرسی مجدد، از سوی دستگاه قضایی ایران رد شده است. میلاد عظیمی اواخر آذرماه ۹۲ در کرمانشاه بازداشت گردید و در دادگاه به قتل یک مرد متهم و سپس برای او حکم اعدام صادر شد. صدور حکم اعدام برای میلاد عظیمی در حالی است که طبق کنوانسیون حقوق کودک که ایران نیز عضو آن است اعدام کودکان زیر ۱۸ سال ممنوع می‌باشد. طبق گزارشات انتشار یافته، حداقل ۴ زندانی که در سنین نوجوانی و زیر هیجده سال بازداشت و به اعدام محکوم شده‌اند، در زندان سنندج محبوس هستند. دبیرکل سازمان ملل، اتحادیه اروپا و نهادهای مدافع حقوق بشر چندی قبل به اجرای حکم دو نفر به نامهای فاطمه سالیهی و صمد ذهابی در زندانهای حکومت ایران که زیر سن قانونی (کمتر از ۱۸ سال) اعدام شدند،

بیانیه اعتراضی صادر کرد. ایران، عربستان، پاکستان و سودان تنها کشورهایی هستند که همچنان به اعدام کودکان ادامه می‌دهند.

باران بی سابقه در ایلام و کرمانشاه

باران بی سابقه در ایلام و کرمانشاه که روزهای پنج شنبه و جمعه گذشته (اواخر مهر ماه) این دو استان را درنوردید، میلیاردها تومان به تأسیسات زیربنایی، مراکز آموزشی - تفریحی و منازل مسکونی خسارت وارد کرد. میزان بارشها در استان ایلام بنا به اعلام اداره هواشناسی ایلام در صد سال گذشته بی سابقه بوده است. استاندار ایلام به خبرنگار تسنیم گفت: بر اساس برآوردهای ابتدایی و اولیه تاکنون یک هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان خسارت در استان ایلام به بار آمده است.

آزادی طاهای احمدی به صورت مشروط از زندان

نهم آبان ماه یکی از فعالین سیاسی زندان مرکزی میروان به نام طاهای احمدی به صورت مشروط از زندان رهایی یافت. طاهای احمدی ۵۸ ساله در اواسط زمستان ۸۶ توسط مأموران امنیتی میروان بازداشت شده بود. طاهای احمدی پس از بازداشت، متهم به ارتباط و همکاری با یکی از احزاب کرد اپوزیسیون حکومت اسلامی ایران شده بود و بعدها دادگاه انقلاب سنندج برای وی حکم اعدام صادر کرد. سرانجام پس از گذشت ۶ ماه و نبود ادله مستدل و کافی، دادگاه تجدید نظر استان کردستان حکم قبلی را به ۹ سال زندان کاهش داد. همچنین به گفته نزدیکان آقای احمدی، وی در ۶ سال نخست زندان، از هرگونه مرخصی‌ای از سوی مقامات زندان محروم شده بود. طاهای احمدی دارای همسر و ۴ فرزند است و هم‌اکنون در کنار خانواده‌اش می‌باشد.

زیدیک به ۲۰۰ کلاس اولی از مدارس استان کردستان بازمانده‌اند

اکنون ۱۹۸ کودک ۵ سال به بالا در شهرها و روستاهای استان کردستان از خواندن و نوشتن محروم گشته‌اند. محرومیت این تعداد از کودکان بنابه گفته معاون آموزش و پرورش استان کردستان به دلیل

فعالیت در مشاغل کاذب می‌باشد. طی سال تحصیل جدید، ۳۹۱ دانش آموز بازمانده از تحصیل شناسایی و ۱۹۳ نفر جذب آموزشگاه شدند.

ناراضی کارگران پیمانکاری سنندج از نحوه محاسبه مزد

کارگران پیمانکاری شهرداری سنندج از اینکه مصوبات مزدی شورای عالی کار در مورد آنها اجرا نمی‌شود انتقاد دارند. حدود ۲ هزار کارگر شهرداری سنندج که به صورت فصلی و به واسطه چند شرکت پیمانکاری در نقاط مختلف شهر سنندج مشغول کار هستند. به گفته آنان پیمانکاری طرف قرارداد شهرداری سنندج است در محاسبه دستمزد کارگران مصوبات شورای عالی کار را لحاظ نمی‌کند. هر ماه بخش عمده‌ای از مزد آنها توسط پیمانکار برداشت می‌شود و با این شیوه محاسبه دستمزدهای پرداختی پاسخگوی هزینه‌های زندگی آنها نیست. معوقات مزدی کارگران شهرداری سنندج از دو تا هشت ماه برآورد می‌شود. طبق این اظهارات، کارگران به غیر از چند ماه مزد پرداخت نشده بابت مقدار معینی از مانده مرخصی نیز طلبکارند و جدا از آن هنوز طرح طبقه بندی مشاغل برای این آنها اجرا نمی‌شود و علاوه بر این به دلیل پیمانی بودن ماهیت قرارداد هر لحظه احتمال بیکاری آنها وجود دارد.

روایت یک کارگر ساکن ایران از شرایط کار در اقلیم کردستان عراق

کار در اقلیم کردستان عراق، شرایط خاص خودش را دارد. خالهای بی‌شمار قانونی دامن بسیاری از کارگران ایرانی را گرفته است. شرایط زمانی برای ایرانی سخت تر می‌شود که در هنگام کار دچار سانحه شده باشند. آمارهای غیر رسمی از اشتغال بیش از ۵۰ هزار ایرانی در اقلیم کردستان عراق تا پیش از سال ۹۲ خبر می‌دهند. کمال جوانی ۳۲ ساله است، حدود ده سال در کارگاه بلوک زنی کار کرده است وی در سال ۹۲ به دلیل مشکلات مالی و کسادی بازار، کارگاه کوچک بلوک زنی اش را با بدهی‌های فراوانی جا می‌گذارد و به کردستان عراق مهاجرت می‌کند. به قول خودش خیلی‌ها رفتند و با

سرمایه خوبی بازگشتند. این استاد بلوک زنی در شرکتی که پیمانکار احداث سوله های کارگاهی است استخدام می‌شود، با دستمزدی که تقریباً هفت برابر آن درآمدی بود که از کارگاه بلوک زنی برایش باقی می‌ماند. به قول کمال ۳۰۰ هزار تومان کفاف هزینه های زندگی خود و همسر و دختر یازده ساله اش و پرداخت اجاره ۲۰۰ هزار تومانی نمی‌داده است.

در کرکوک مشغول به کار شدم، در منطقه ای به نام داقوق، سرگرم نصب سوله بودم. حدود ۲۰ روز از اقامتم در عراق می‌گذشت. هنوز حقوق ماه اول کارم را نگرفته بودم به ناگاه از روی سوله که پایه اش درست در بتن محکم نشده بود از ارتفاع تقریباً ۱۵ متری بر روی زمین افتادم. به علت شدت ضربه ای که به کمرم وارد شده بود، چند مهره پشتم دچار شکستگی شد. امکانات پزشکی محدودی در بیمارستان محل بستری ام در کرکوک وجود داشت، همان جا فهمیدم دچار خون ریزی داخلی شده ام دکترهای عرب زبان را با هزار بدبختی به این باور رساندم که از من آزمایش بگیرند. بعد از معاینه پزشکان، سریعاً به اتاق عمل منتقل شدم، بعد از چند روز به بیمارستانی در سلیمانیه انتقال یافتم. پدر پیرم، که کارگر ساده است با پولی که از دوست و آشنا قرض گرفته بود خودش را به عراق رساند. دکترها به او گفته بودند که دچار له شدگی نخاع در ناحیه کمر شده ام. صاحب شرکت همان روز اول در کرکوک به بیمارستان آمد از خلا قانونی در اقلیم کردستان استفاده کرد و ناپدید شد. همه هزینه های بیمارستان را از جیب خود پرداخت کردم "عجب شانس، رفته بودم برای کار و کسب درآمد! بعد از یک ماه و نیم، علیل و بدهکارتر برگشتم!" حدود دو سال است خانه نشین شده ام از کمر به پایین تقریباً فلج شده ام و دیگر توانایی پرداخت آن دیوستان هزار تومان کرایه پارکینگ که به عنوان خانه اجاره کرده بودم را هم نداشتم. با همسر و دخترم به خانه پدری بازگشتم، خانه ای که یک اتاق بیشتر ندارد. هزینه های فیزیوتراپی و درمان هم که به جای خود، ماهانه حدود یک و نیم میلیون آب می

نگاه هفته مجموعه اخبار ...

از صفحه ۴

خوردند. چندین بار با مدیر شرکت تماس گرفتم جوابی نگرفتم با وقاحت تمام با ادبیاتی رکیک و تهدید آمیز از من می خواهد دیگر مزاحمش نشوم. به بهزیستی مراجعه کردم هیچ نوع کمکی نشده ام. اداره کار هم می گوید قبل از رفتن به عراق، باید مجوز کار در خارج از کشور می گرفتی در عراق هم اقامت نگرفته بودم مثل بسیاری از کارگران دیگر هر ماه می آمدم لب مرز و گذرنامه ام را دوباره مهر می زدم. به گفته کارشناسان در اقلیم کردستان، قانونی برای حمایت از نیروی کار خارجی وجود ندارد. صدها هزار افغانستانی، پاکستانی، فیلیپینی، اندونزیایی و عرب تبار در این کشور مشغول به کار هستند. کارگرانی که تن به هر شرایطی می دهند تا موقعیت شغلیشان را حفظ کنند. بیمانکارها هم از این فرصت سوء استفاده می کنند و با بدترین شیوه ممکن با کارگران رفتار می کنند. با توجه به حضور کنسولگری و نمایندگی های دیپلماتیک کشورهای مختلف اقلیم کردستان، بسیاری از ایرانی هایی که در عراق هنگام کار دچار سانحه می شوند به نمایندگی های سیاسی کشور مراجعه نمی کنند. چون طبق قوانین، حمایت کنسولی از نیروهایی صورت می گیرد که مجوز کار داشته باشند. مساله ای که غالب ایرانی های شاغل در اقلیم پشت گوش انداخته اند.

بخشی از یک گزارش مکرران
تاریخ ۱ آبان

دست اندازی دولت به صندوق درمان تامین اجتماعی، حمله ای جدید به کارگران

بر اساس اخبار منتشره وزارت بهداشت ضمن طرح ادعایی مبنی بر وجود بدهی های برخی صندوق های درمان به بیمارستان های دولتی، اعلام کرده است که قصد تملک "صندوق درمانی سازمان تامین اجتماعی" را دارد. برخلاف ادعای کذب، بدهی سازمان تامین اجتماعی، این دولت است که مبالغ بسیار هنگفتی که بالغ بر صد هزار میلیارد تومان است به سازمان تامین اجتماعی بدهکار است.

سازمان تامین اجتماعی نهادی است که باید به دست نمایندگان کارگری اداره و سازماندهی شود و تاکنون مدیریت دولتی و ضد کارگری حاکم بر این سازمان باعث شده است که بسیاری از منابع مالی کارگران به هدر رفته و همچنین مطالبات کارگری مرتبط با این سازمان برآورده نشود. در چنین شرایطی طرح ادعای دروغین طلب وزارت بهداشت از سازمان تامین اجتماعی به هدف تصرف و تملک صندوق درمان این سازمان، چیزی جز ادامه ی روند اجرای سیاست های ضد کارگری در جامعه ی ما نیست. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکوم کردن ادعاهای واهی وزارت بهداشت، خواهان پرداخت بدهی های دولت به سازمان تامین اجتماعی و نیز خواهان اجرایی شدن اداره ی کلیت سازمان تامین اجتماعی به دست کارگران و تشکل ها و نمایندگان مستقل کارگری میباشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ۹ آبان ۱۳۹۴

آرام و فواد زندگی آزاد شدند

به گزارش رسیده امروز ۵ آبان ماه ۹۴، آرام و فواد زندگی از فعالین کارگری شهر سنندج بعد از گذراندن مدت محکومیت شان در زندان مرکزی شهر سنندج آزاد شدند. این دو فعال کارگری در روز ۲۵ فروردین ۹۴ با یورش نیروهای اداره اطلاعات شهر سنندج در منزل شخصی بازداشت و مدت ۷ روز در آن اداره مورد بازجویی قرار گرفتند و سپس هر کدام با وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد گردیدند. نامبردگان در شعبه اول دادگاه انقلاب به اتهام فعالیتهای کارگری از جمله شرکت در مراسمهای روز جهانی کارگر، روز جهانی زن، گلگشت های کارگری، همکاری با کمیته هماهنگی، دفاع از کارگران زندانی و شرکت در راهپیمایی در حمایت از مردم کوبانی هر یک به چهار ماه حبس تعزیری محکوم شدند. لازم به ذکر است که قرار بود این فعالین کارگری روز دوشنبه ۴ آبان آزاد شوند که در این ارتباط جمعی از فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی و

خانواده نامبرده گان جهت استقبال از این دو فعال کارگری در اطراف منزل آنان جمع شده بودند که مقامات زندان جهت جلوگیری از تجمع فعالین، آزادی این فعالین کارگری را به امروز موکول کردند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن تبریک آزادی آرام و فواد زندگی به همه کارگران و خانواده و دوستان آنان، خواهان آزادی فوری سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی دربند می باشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری. ۵ آبان ۱۳۹۴

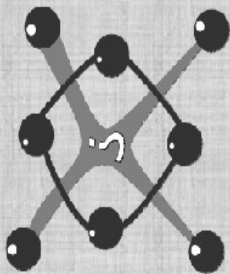
خودکشی کودکان، بخشهایی از یک گزارش

هفته گذشته یک دانش آموز کلاس ششم ابتدایی که در یکی از مدارس اشنویه تحصیل می کرد، خود را حلق آویز کرد. روزنامه شرق با اشاره به این خبر، در مطلبی آورده است: شوان، پسر ۱۰ ساله و محصل بود. پسری با ایده ها و آرزوهای کودکانه. آرزوهایش قطعا بزرگ تر و بیشتتر از دیگر هم کلاسی هایش در شهرستان اشنویه نبود. اما شاید دور از دست بودن آرزوها و رؤیای او را به اندازه یک انسان به آخر خط رسیده بزرگ می کند. شوان درست در همان لحظاتی که می توانست خیره به تلویزیون خودش را جای شخصیت محبوب کارتونیش تصور کند، طناب دار می یافت برای خودکشی و

عاقبت خودش را حلق آویز کرد. دلایل ضد و نقیضی برای این حادثه عنوان شده که برخی رسانه ها طلب کردن کمک های مردمی مدرسه را عامل آن اعلام کرده اند. در این باره گفته شده مبلغی که خانواده از پرداخت آن عاجز بوده اند و کودک با تهدید خانواده به خودکشی در صورت عدم تامین این هزینه به اتاقش پناه برده و در حال دستوپنجه نرم کردن با ترس حقارت و تمسخر شدن توسط هم کلاسی هایش تصمیم می گیرد به زندگی اش خاتمه دهد. اگر چنین چیزی صحت داشته باشد، شاید شوان تمام این صحنه را برای ترساندن خانواده طراحی کرده بود؛ صحنه ای که متأسفانه واقعیت تلخی را تا ابد در ذهن خانواده وی ثبت کرده است. هر چند مسئولان محل زندگی شوان این موضوع را در گفت و گو با «شرق» تکذیب می کنند. در روزهای اخیر خبر وقوع دو خودکشی در بین کودکان باز هم اذهان عمومی را حساس کرده است. نخستین خبر، خبر خودکشی «شوان هآوری» کودک ۱۰ ساله اهل اشنویه (آذربایجان غربی) بود. پیکر بی جان این دانش آموز هنگامی توسط والدینش کشف شده که از کارگری در باغ های سیب حومه شهر به منزل بازگشته بودند؛ زمانی که برای نجات جان پسر حلق آویز شده شان بسیار دیر بود. اهالی محله تاج الدین که در دو ماه، شاهد دومین خودکشی که سالان بوده اند،

دوباره علت خودکشی شوان می گویند که پدر او در مراسم تشییع فرزندش می گفته «صبح روز حادثه، به او و مادرش گفته بود که مدرسه برای خرید تجهیزات از همه دانش آموزان پول خواسته و اگر آنها این پول را ندهند، او خودش را خواهد کشت.» تا این حدس و گمان به وجود آید که این درخواست برای پدر و مادر کارگر این دانش آموز سنگین بوده و در نتیجه آنچه نباید، روی داده است. از رسانهای شدن این خبر ساعاتی نگذشته بود که خبر رسید اتفاقی مشابه در تهران روی داده و پسر بچه دبستانی دیگری (که ۱۰ ساله و دانش آموز کلاس پنجم دبستان بوده) با حلق آویز کردن خود با روسری از میله بارفیکس، بدرود. حیات گفته است. آمارها نشان می دهد در ۹ ماه ابتدایی سال ۹۲ هر روز بیش از ۱۱ نفر مرگ مشکوک به خودکشی داشته اند. بر اساس آمار اعلام شده از سوی سازمان پزشکی قانونی در ۹ ماهه سال گذشته سه هزار و ۱۲۵ نفر خودکشی کرده اند. از میان این افراد، ۹۸۲ نفر زن و دو هزار و ۱۴۳ نفر مرد بوده اند. بر همین اساس در مدت مشابه سال ۹۱ نیز دو هزار و ۷۴۰ نفر به علت آنچه پزشکی قانونی آن را خودکشی تشخیص داده بود، جان خود را از دست داده اند.

منبع: شرق



چگونه با

حزب کمونیست کارگری ایران

فعالیت کنیم



اشارات حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۲۰۱۵ - شهریور ۱۳۹۲

پناهندگان در هیچ جایی در دنیا امنیت جانی ندارند



آسو عبدی نژاد

انسانی است ویانی آواره شدن میلیونها انسان از خانه وکاشانه شان است و هزاران هزار مردم بی گناه را قربانی اهداف ارتجاعی خود کرده است در يك مصاحبه ای با نماینده دولت آلمان می گویند: "در کشور افغانستان امنیت برقرار است می توانید پناهجویان افغان را به کشورشان بازگردانید". با وجود اینکه قوانین جدید آلمان با حقوق دمکراتیک ذکر شده در قانون پناهندگی ژنوسال ۱۹۵۱ بسیار تناقض دارد و بازگرداندن پناجویان به کشورشان که در حال جنگ و نا امنی است مخالف قوانین ژنو و در همان حال عملی غیره انسانی است و باز قصد بازگرداندن پناهجویان افغانستانی به کشورشان را دارد. پناهجویان افغانستانی در معرض خطر دیپورت قرار گرفته اند و تا به حال چندین پناهجو ترس دیپورت دست به خودکشی زده اند و این قوانین جدید آلمان تمامی پناهجویان را سخت نگران کرده و هر روزه تعدادی زیادی از بلا تکلیفی و ترس از دیپورت به کشورهای دیگر اتحادیه اروپا فرار می کنند .

بازگرداندن پناهجویان افغانستانی به سوی سرنوشت نامعلوم يك عمل ضد انسانی و ضد پناهندگی و جنایت بزرگی علیه انسانیت محسوب میشود. بر اساس تصویب قوانین جدید پناهندگی در آلمان باید نزدیک به شش هزار نفر پناهجوی افغانستانی در آلمان به کشورشان افغانستان باز گردانده شوند. این در حقیقت به خطر انداختن جان شش هزار نفر پناهجو و فرستادن آنها به سوی يك سرنوشت نامعلوم است که از ترس کشته شدن و نبود امنیت جانی از دست نیروهای ضد انسان و جنگهای پی در پی میان حکومت و جریان طالبان در افغانستان، تمام هستی و نیستی خود را هزینه فرار از کشور به سوی کشوری امنتر کرده اند. حدود سی سال جنگ میان حکومت و نیروهای طالبان زندگی را بر مردم افغانستان تلخ کرده و کشور افغانستان را به ویرانه ای تبدیل کرده است بخاطر وضعیت نابسامان اقتصادی و سیاسی در منطقه، حدود ۹۰ درصد از مردم افغانستان بیکارند و نزدیک به ۶۰ تا ۷۰ درصد مردم افغانستان از حقوق انسانی و امکانات زندگی و آب و برق بهداشت محروم هستند.

در چنین حالتی است که جنگهای ویرانگر اکثر مردم افغانستان را ناچار به فرار از کشور کرده است پناجویان افغانستانی در چندین سال گذشته در کشور ایران هم در امان نبودند و همیشه مورد تحقیر و آزار و اذیت نیروهای حکومتی ایران قرار گرفته اند و نگذاشته اند پناهجویان از یک زندگی نسبتا امن

تر برخوردار باشند. هزینه های کلان برای گرفتن اقامت موقت باعث شده اکثر جوانان افغانستانی در ایران از تحصیل محروم شوند. در همان حال هر سال شاهد بازگرداندن تعداد زیادی از پناهجویان افغانستانی به کشورشان از طرف حکومت جمهوری اسلامی هستیم. با وجود اینکه تمام دنیا هر روزه شاهد کشته شدن پناهجویان در مرزهای ایران و غرق شدن هزاران پناهجو در آبهای مدیترانه هستند و دولت آلمان به وضع میداند پناجویانی که به آلمان یا کشورهای دیگر رسیدند در مسیر راه هزاران بار جان داده اند و زنده شدند و از ناچاری این مسیر پر خطر را باجان خود خریدند و در کشورشان هیچ گونه امنیت جانی وجود ندارد باز قصد بازگرداندن پناهجویان افغانستانی به کشورشان را دارد. این در حالی است که دولت افغانستان به شدت درگیر جنگهای قومی مذهبی است و هر روزه تعداد زیادی از مردم بی گناه قربانی اهداف ضد انسانی حکومت و مخالفینش و نیروهای طالبان می شوند. برخلاف ادعاهای آمریکا مبنی بر ایجاد امنیت برای مردم، اما تا کنون آمریکا و متحدینش نتوانسته اند در افغانستان حتی برای خود امنیت برقرار نمایند که در موارد زیادی مورد تعرض جریان طالبان قرار میگیرند. و قتی که در ۶۰ درصد منطقه جغرافیایی افغانستان هیچ امنیتی وجود ندارد مردم چگونه می توانند در چنین شرایطی زندگی کنند. از طرف دیگر حکومت مرکزی افغانستان که برای حفظ قوای خود شدیداً محتاج نیروی

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:
Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۵۷۵۰۲
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
4900 Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:
Bank of America
277 G street Blaine, Wa 98230
phone# 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 41581083
checking (99)
wire: ABA routing #026009593
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 ۴۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید می توانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:

سیمک بهاری: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdulgolparian1@gmail.com

حزب کمونیست کارگری نماینده آرزوها و خواستههای باقی مانده مردم محروم است.

حزب کمونیست کارگری حزب میلیونها کارگری است که کار میکنند و خود از نعماتی که خود ساخته اند محرومند! حزب کمونیست کارگری صدای همه مردمی است که آرزوهای ساده و انسانی نان سر کوب نموده است! این حزب صدای میلیونها کارگر و جوان و بیگاری است که تاز سرپایه آنها را زده است و اسیر بیگاری و فقر و محرومیت شده اند. صدای کودکان محروم شده از سادی و تحصیل، صدای زنانی که فقر و محرومیت آنها را به ن فریاد ناچار میکنند صدای جوانانی که در اوان زندگی از سادی و رفاه و آزادی محروم میشوند. صدای آنهایی که اعدام شده اند و دیگر صدایی ندارند!

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!